

«لندن» آنقدر است که در ماهی که از «لندن» برآمدم، هفت خانه نوگشاده شد.

در بیان خانه سیر سیارات واقمار

در یکی از «پلی هوس» های «لندن» که صاحب آن «مستر واکر»، فیلسوف عارف به علم هیئت و نجوم است، در موسم تابستان که «پلی هوس» ها از کار خود باز میمانند، شب هنگام [شغل «استرانمی»^۱، یعنی رفتار نجوم سیاره واقمار ایشان به دور شمس... می نمایند، به نوعی که رفتار همه به هیئت اجتماعی در یک نظر جلوه گر گردد، و وجه هر چیز و اختلاف رؤیتها مبرهن گردد، و هم به زبان بیان می کنند. در این خانه آنقدر حظ برداشتم که خارج از حد بیان است. طاقی به ارتفاع بیست گز بود، در وسط آن، جسم کره آفتاب، از شیشه ای که اندرون آن چراغی است، منصوب است که آسیاوار حرکتی می کند، و مرکز را نمی گذارد. پس عطارد و زهره؛ بعد از آن ارض، و قمر به دور آن و به همراه ارض گرد آفتاب سایراست؛ پس مشتری و مریخ با چهار قمر و زحل با پنج؛ و سیاره «جاج»^۲ که نو پدیدار شده، با هشت اقمارش در دور شمس حرکت می نمایند. حرکت مجموع از یک فنر است که به سبب اختلاف مدارات، مختلف مرئی می شود؛ و چون مجموع این کرات جسمند نه سطح، وجه کسوف اقمار به حیلولیت^۳ جرم کره سیار است، و صورت ظل های مخروط و کسوف شمسی و شرقی و غربی، و غایب شدن زهره به نوعی ظاهر می شود که مطلقا اثرشک و شبهه در دل نمی ماند. تا وقتی که ارض یک دوره گردش شمس نماید، چند دوره عطارد و زهره و دوازده دوره قمر، در هر دوره هلال به تدریج بدر شدن و باز به هلالیت آمدن و محاق او به سبب پرتو جسم شمس، مرئی می گردد. و بعد دوازده دوره ارض یک دوره مشتری، و همچنان از زحل به همان نسبتی که علم نجوم ایشان بر آن مخبر است، به ظهور می آید. و اگر کسی روزانه رفته تماشای آن کارگاه نماید، خواهد دید که اقطاب کره ها به جانب شمال است، و همه به یکدیگر متعلق، و محرك همه یکی است، و این اختلاف حرکات و کسوفها و هلالیت و بدریت، جمله به سبب اختلاف مدارات و عوارضات است. و مدار قمر گرد ارض، محرف به طور خاص است؛ چه اگر موافق به سطح افق ارض بودی در هر ماه خسوف و کسوف واقع گشتی. نوبتی به حیلولیت ارض میان وی و شمس، و نوبتی به حیلولیت او^۴ در میان شمس و ارض. و همچنین تفاوت موسم سردی و گرمی هوا به سبب قرب و بعد جوانب ارض و شمس، در آن خانه تمام ظاهر و مبرهن می شود.

(۱) Astronomy (ستاره شناسی). (۲) منظور سیاره نپتون است. (۳) مقصود حایل شدن، حایل بودن است.

(۴) سطح چایی؛ قمر.

ذکر ماسکرید^۱

یعنی خانه ای که برقی خرد یا صورتی از مقوا بر رو بسته، به تبدیل اوضاع بدانجا روند و امتحان ذکای یکدیگر و حدت آن کنند. فایده دیگر کثرت آزادی است برای قلیل وقت، زیرا که چون کسی بر شناختن دیگری متیقن نیست، قادر به هر گونه حرکت هستند. این رسم، اگر چه در سایر فرنگ شایع است، اما چون «انگلش»^۲ به اطراف عالم سیر کرده، بر اوضاع اکثر امم مطلع ترند، در لندن به کمال است، و در «ماسکرید» های ایشان، ایرانی و هندی و عربی و ترکمان و هندو و جوکی و شناسی و صد قسم دیگر توان یافت. بعضی آنقدر تقلید نمایند که در حرکات و زبان هم اثر آن ظاهر شود. بهتر از همه این است که شرفا به لباس اهل حرفه، چون حجام و گل فروش و نانبا^۳ و غیره آمده آنقدر تقلید ایشان می نمایند که اصل از نقل ممتاز نمی گردد و مکالمات و اختراعات لطیف در این باب کنند.

حکایت غریب

چنانچه شخصی با رختهای خواب در آن محل حاضر شده زبان اعتراض به حضار بگشاد و گفت: «چقدر مردم بی ادب هیچکاره هستند که باوصف اینکه شب به آخر و صبح قریب است هنوز هنگامه بر پا دارید و مرا که به کرایه در بالای این خانه منزل دارم تمام شب خفتن نداده اید.» حضار همه به خنده در افتادند و اختراع او را در این باب پسندیدند، زیرا که قطع نظر از نوبت^۴ و لطافت آن صورت، از ده بیست رویه خرج که به جهت حصول [برقع و] جامه می شود باز داشت.

دیگر خانه هایی که زن و مرد برای رقص در آنجا جمع آیند. در این هر دو نوع به نام خوراکی به قدر یک «گنی» دادن می شود. اما در آخر زمستان به خانه شرفا به کثرتی دعوت این هر دو نوع می شود که بعضی تماشا ییان در شبی سه چهار جا روند.

در بیان «پبلک بلدنگ»^۵ یعنی

مدارس و مکتب و دارالاشفا
و غیره

«پبلک بلدنگ» یعنی عمارات متعلق به جمهور، چون دارالاشفاها و مدارس و کتابخانه ها و محل پرورش یتیمان و بی وارثان و وضع حمل زنان باردار و موضع زندگی سپاهیان و ملاحان که در خدمت اهل ملک پیر یا به سبب نقصان اعضا ناکاره^۶

(۱) Masquerade (بالماسکه). (۲) یعنی انگلیسی، قوم انگلیس. (۳) نایب، نانوا.

(۴) یعنی نوبی، تازگی. (۵) Public building یعنی از کار افتاده.